

کدام مسئله مسئله ملی است؟

گزارش نهمین نشست نقد آثار غیرتخیلی کودک و نوجوان

اشاره:

حسن طاهری، در نهمین نشست نقد آثار غیرتخیلی کودک و نوجوان، در ۲۱ مهرماه ۸۱، با موضوع «بایدها و نبایدها در انتشار کتاب‌های کودکان و نوجوانان»، سخنرانی کرد. این نشست با حضور منتقدان، کارشناسان و نویسندگان کتاب‌های علمی - آموزشی برپا شد.

بخش تصویرگری طرح جلد کتاب‌های کودکان و نوجوانان قرار بگیرد و من فکر می‌کنم این به سبب ذهنیتی است که ما در کشورمان دایره ادبیات کودکان را به هر دلیل، بسته‌ایم و می‌گوییم شعر، قصه و داستان. بخشی از ادبیات که در دنیا به آن توجه می‌شود، کتاب‌های آموزشی، علمی و نان فیکشن است. تصویرگری این کتاب‌ها، مثل محتوای آن، مورد غفلت قرار گرفته است. خب، امیدواریم کتاب ماه، در بحث‌های آینده به این مقولات بپردازد، مسائل را بشکافد و دلایل و چرایی قضایا را هم تا حدودی بررسی کند.

بکایی: کتاب ماه در دو نشست گذشته «تصویرگری کتاب‌های کودک و نوجوان»، به موضوع تصویرگری کتاب‌های نان فیکشن پرداخت. اما گفته‌های شما کاملاً صحیح است. ما به صورت تخصصی، تصویرگر کتاب نان فیکشن نداریم و نیز جایگاه کتاب علمی - آموزشی، هم‌چنان محو و ناروشن است. منتظریم که آقای طاهری سخنرانی‌شان را شروع کنند.

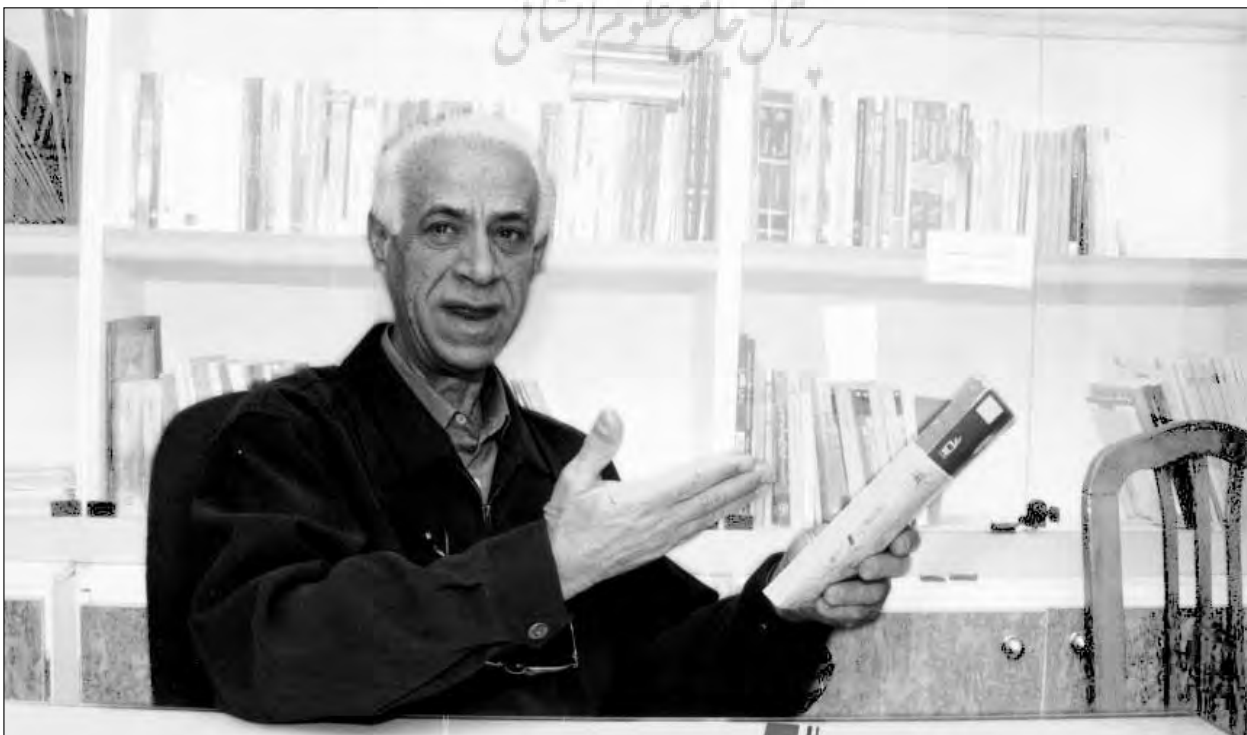
طاهری: اجازه می‌خواهم صحبت‌م را با سخنی از مری بزرگ «پستالوزی» آغاز کنم. او خطاب به کودکان می‌گوید:

«به دور باد از ما فکر این که از شما انسان‌هایی چون خود یا همانند اغلب معاصران مان بسازیم. شما باید به یاری مراقبت‌های مان، به صورت انسان‌هایی که خداوند در طبیعت شما به ودیعت نهاده است، درآید.»

این سخن چراغی است بر هدف‌های تعلیم و تربیت، روش‌های یاددهی - یادگیری و حتی انتخاب و سازمان‌دهی محتوای کتاب‌های آموزشی که موضوع سخن امروز ماست.

پستالوزی در این سخن، اشاره می‌کند به این که «هدف‌های تعلیم و

همتی: من ابتدا می‌خواهم مطلبی را عرض کنم که به نوعی به بحث ما مربوط می‌شود. در بیانیه یا گزارش اجمالی هیأت‌دوران تصویرگری کتاب‌های کودک، چند نکته وجود داشت. یک نکته این که ما می‌دانیم حضور ناشرانی که به نوعی به بخش دولتی یا عمومی مربوطند، در عرصه تصویرگری بسیار کم‌رنگ است. مثلاً وقتی شما نگاه می‌کنید، می‌بینید که آمار سه چهار ناشر خصوصی در زمینه چاپ کتاب تصویرگری، از آمار کانون پرورش فکری بالاتر است. من در برخورد با ناشرانی که به نوعی متصل به بخش‌های دولتی و عمومی هستند، متوجه شدم که در زمینه مسایل فرهنگی بی‌انگیزه هستند. فرض کنید ما باید از انتشارات امیرکبیر تقاضا کنیم تا کتاب‌های‌شان را برای شرکت در جشنواره بفرستند، ولی ناشران خصوصی این طور نیستند و خیلی فعال‌تر در عرصه‌های فرهنگی شرکت می‌کنند. خوب است که این پدیده در این جا به بحث و بررسی گذاشته شود. نکته بعدی، این که وقتی ما نمایشگاه تصویرگری کتاب‌های کودکان و نوجوانان را برگزار می‌کنیم، در عرصه طراحی جلد هیچ ناشری، حتی ناشرهای خصوصی خوب که آثار خوبی هم در طراحی جلد دارند، کاری برای نمایشگاه تصویرگری نمی‌فرستند. تصویرگری کتاب‌های آموزشی هم مثل خود کتاب‌های آموزشی، در کشور ما مورد غفلت واقع شده است. در صورتی که من می‌توانم چند کتاب نام ببرم که طرح جلد آن‌ها می‌توانست حداقل در



تربیت را باید عمدتاً در خود کودکان جست‌وجو کرد.» او با همین بیان، ما را از هر نوع تلقین و تزریق اندیشه به کودکان برحذر می‌دارد و نقش اساسی نظام‌های رسمی و غیررسمی تربیت را مراقبت می‌داند؛ همان کاری که یک باغبان انجام می‌دهد.

گرچه بخش ناچیزی از آن‌چه کودکان در طول زندگی یاد می‌گیرند، در مدرسه و به وسیلهٔ مدرسه انجام می‌گیرد، به لحاظ اهمیتی که دوران کودکی و نوجوانی در شکل‌گیری شخصیت آنان دارد، همین بخش از اهمیت بالایی برخوردار است. در نظام‌های متمرکز، محتوای این بخش عمدتاً برخاسته از نظر افراد و گروه‌های خاص - حاکم - است. در چنین نظام‌هایی، بین آن‌چه آموزش مدرسی نامیده می‌شود، با آن‌چه در بیرون از آن وجود دارد، فاصله زیاد است.

در چنین نظام‌هایی از دانش‌آموزان، انتظار می‌رود همان‌گونه فکر کنند که کتاب و معلم می‌گوید! هم‌چنین در ارزشیابی از یادگیری دانش‌آموزان، انتظار می‌رود که آن‌ها «آن‌چه استاد ازل گفت»، آن گویند. و این همان چیزی است که پستالوزی ما را از آن برحذر می‌دارد. حدود ۸ سال پیش، در یک کارگاه آموزش علوم، خانمی از کشور «سریلانکا» می‌گفت:

در افسانه‌ها آمده است که روزی استادی با شاگردانش از شهری به شهری می‌رفتند. سر راه باتلاقی بود. استاد که پیشاپیش می‌رفت، متوجه نشد و در باتلاق افتاد و فریاد زد: «دستم بگیرید، کمکم کنید...!» شاگردان او به جای انجام عملی در نجات استاد، به گفت‌وگو پرداختند که آیا در جایی از آموزش‌های آن‌ها آمده است که «اگر استاد در باتلاق افتاد، باید دست او را گرفت و بیرون کشید!» و نتیجه آن بود که نه...!! و استاد در باتلاق فرورفت! این مثالی است روشن، بر ناکارآمد بودن نظام‌های آموزشی بسته. در این نظام‌ها، بین درس و زندگی فاصله است و هرکدام ساز خود می‌زنند!

خوشبختانه در برنامه‌های درسی جدید ایران - دورهٔ ابتدایی - نشانه‌هایی از شکستن دیوارهای مدرسه و پیوند با زندگی دیده می‌شود که نمونهٔ بارز آن، برنامه درسی علوم تجربی است. چند سال پیش، در دستورالعمل ارزشیابی از یادگیری دانش‌آموزان دوره‌های ابتدایی و راهنمایی، ماده‌ای به تصویب رسید که به موجب آن، در هر یک از مواد درسی دوره‌های ابتدایی و راهنمایی، پنج نمره از بیست نمرهٔ کلاسی به فعالیت‌های خارج از کلاس دانش‌آموزان تعلق گیرد ما و شما باید این‌گونه فرصت‌ها را غنیمت شمیریم.

شما می‌توانید در ایفای مسئولیت فرهنگی خود، از همین روزن وارد کلاس شوید و در دیوارهای بلند آن شکاف ایجاد کنید. استفاده از این فرصت‌ها نیازمند بصیرت و کاردانی است؛ زیرا که اگر دانش‌آموزان، به «خارج از کلاس» مراجعه کردند و دیدند که صورت مسئله یا حل آن، چنان نیست که معلم می‌گوید و یا در کتاب درسی آمده است، آرامش کلاس و درس به هم خواهد ریخت.

چنین شرایطی، هنگامهٔ مجال معلمان بزرگ و دانش‌آموزانی است که هنوز آثاری از «آن‌چه خداوند در طبیعت آن‌ها به ودیعت نهاده» باقی است. از نظر من، موضوع «سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی» نیز در این «هنگامه» معنی می‌شود و ارزش پیدا می‌کند. از این جهت است که من این موضوع را هم برای «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» و هم «ناشران و مؤلفان»، فرصتی می‌دانم که اگر آنروز آن را درنیابیم، فردا دیر است!

خوشبختانه، در برنامه‌های درسی جدید - و مشخصاً علوم تجربی - پرسشگری، پژوهش، مشاهده، تجزیه و تحلیل و... مورد توجه قرار گرفته است. کارآمدی این برنامه‌ها، نیازمند یاری از بیرون نظام آموزش رسمی است. محصول کار شما به عنوان نویسندگان، مترجمان و ناشران کتاب‌های آموزشی، در بیرون از نظام آموزش رسمی، از مهم‌ترین این عوامل به شمار می‌رود. دستی را که از داخل نظام آموزش رسمی، در قالب «طرح سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی»، به سوی شرکای حقیقی خود در بیرون از نظام - یعنی شما - دراز شده است، باید فشرد. برای ما فرصتی برای شکستن آموزش‌های قلابی پیش آمده است.

«آموزش‌های قلابی که نه قابل تطبیق با حقایق هستی است و نه

کاربردی در جامعه دارند، چیزی نیستند جز اشغال ذهن با اموری بی‌اساس». آیا ذهن‌هایی این چنین اشغال شده، می‌توانند برای حل مسایل پیش روی خود، ابتکار و خلاقیتی از خود نشان دهند؟ کتاب‌هایی که شما در خارج از نظام آموزش و پرورش رسمی برای کودکان و نوجوانان تولید می‌کنید، می‌توانند در پر کردن شکاف موجود بین کارکرد مدرسه و انتظارات جامعه نقش اساسی بازی کنند. در گفت‌وگویی که آقای دکتر آرانی با شما در همین برنامه داشتند، این موضوع کاملاً باز و بررسی شده است. کتاب از ابزارهای دسترسی به وسعت و عمق اندیشه است، اما کدام کتاب‌ها؟ یاد سخنی از زنده‌یاد دکتر شریعتی افتادم که می‌گفت: «اگر می‌خواهی اسیر هیچ فکری

تاریخ:
شماره:

طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی
«دوره ابتدایی»

پرسش‌نامه نظرسنجی از کمیتهٔ معلمان
دربارهٔ کتاب‌های مناسب (دانش‌آموزان)

.....
سرکار خانم
همکار گرامی
.....
جناب آقای

خواهشمند است کتاب ضمیمه را مطالعه و نظرات خود را در باره سؤال‌های عنوان شده بنویسید. بدون تردید انتخاب هر یکی از درجات مقیاس از جانب شما به دلایلی صورت می‌گیرد؛ لطفاً در مقابل هر سؤال دلایل و توضیحات خود را با اشاره به محتوای کتاب بنویسید. توزیع درجات مقیاس به شرح زیر است:

بسیار زیاد (۵)	زیاد (۴)	متوسط (۳)	کم (۲)	بسیار کم (۱)
----------------	----------	-----------	--------	--------------

نام کتاب: موضوع:

نام نویسنده/ مترجم: ناشر:

تاریخ انتشار:

لطفاً مخاطبان کتاب را مشخص فرمایید:

دانش‌آموزان دورهٔ ابتدایی پایه: اول دوم سوم چهارم پنجم

دانش‌آموزان از پایه‌ی تا پایه‌ی

مخاطبان دیگر آن‌ها را نام ببرید:

نشوی. بخوان! بخوان! بخوان!»

عجاز خواندن به عنوان ابزاری برای رهایی، در زیاد خواندن نیست، بلکه در کیفیت و گوناگونی خواننده‌هاست. «تافلر» نشان داده است که آیندهٔ جهان امروز، به دلیل گسترش کمی و کیفی اطلاعات، دسترسی به اطلاعات، سرعت و دقت اطلاعات قابل پیش‌بینی نیست.

در تأیید این نظر، دوستی از کشور «سریلانکا» می‌گفت: در کشور ما استادی است که همیشه در کلاس درس خود به دانشجویانش می‌گوید: دوستان! آن‌چه امروز من با شما در میان می‌گذارم، روزی که شما فارغ‌التحصیل شوید، نزدیک به نیمی از آن کهنه خواهد شد و من نمی‌دانم کدام نیمه‌ها؟»

این حرف تمامی آن‌چه را که امروز دانش‌پنداشته می‌شود، زیر سؤال می‌برد! با این مقدمات، اکنون یک سؤال پیش روی ما طرح می‌شود که در جهان این‌چنینی، چه کسانی امکان زندگی می‌یابند؟ در جست‌وجو برای دستیابی به جواب این سؤال، توجه شما را به شنیدن افسانه‌ای که گمانم در کتاب «تاریخ فلسفهٔ تربیتی» فردریک مایر خوانده‌ام، جلب می‌کنم:

«روزی فرشتهٔ سرنوشت، وارد جزیره‌ای شد و با سه گروه از مردم آن

ملاقات و با طرح یک پرسش، با آنان به گفت‌وگو پرداخت سؤال این بود: «اگر به عنوان فرشته سرنوشت، به شما اطمینان دهم که جزیره بیست و چهار ساعت دیگر به زیر آب فرو خواهد رفت، در این فاصله چه خواهید کرد؟» گروه اول که دنیادوست بودند، گفتند: «ما که طرفی از روزگار نبسته‌ایم، در فرصت باقی می‌خوریم و می‌آشامیم و... از دنیا لذت نهایی می‌بریم.»

گروه دوم که زاهدپیشه بودند، گفتند: ما که بنده گناهکار خداییم، در فرصت باقی به ریاضت، عبادت و زیارت و... می‌پردازیم تا شاید رستگار شویم.»

گروه سوم گفتند: «اگر مطمئن شویم که چنین اتفاقی خواهد افتاد، بلافاصله دانیان جزیره را دور هم جمع می‌کنیم تا با هم امکان زندگی کردن

و اما راه طی شده، عبارت است از فرایندی که ضمن آن، ناشران و نویسندگان نمونه‌ای از تولیدات آموزشی مرتبط با کودکان خود را به دفتر دبیرخانه طرح، در دفتر انتشارات کمک آموزشی می‌فرستند. در این دفتر، ابتدا کمیته‌ای از معلمان مجرب، کتاب را مطالعه و نظر خود را در قالب پرسشنامه‌ای که به همین منظور تهیه شده است، منعکس می‌کنند. کتاب‌های بررسی شده در این مرحله، به وسیله یکی از کارشناسان گروه‌های برنامه‌ریزی درسی - دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی - که با موضوع کتاب مرتبط هستند، مطالعه می‌شود. این کارشناسان نیز نظر خود را در قالب پرسشنامه‌ای که مخصوص آن‌ها تهیه شده است، منعکس می‌کنند. در پایان، کتاب به وسیله یکی از کارشناسان گروه هماهنگی دوره ابتدایی - دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی - مطالعه و نظر نهایی درباره مناسب بودن یا نبودن آن برای معرفی به مخاطبان، به دبیرخانه طرح ارائه می‌شود، شخص من در کارشناسی مرحله سوم، با این طرح همکاری دارم.

در تابستان امسال، آقای همتی به عنوان مسئول طرح، از من دعوت کردند که ضمن مطالعه کتاب‌هایی که در فرآیند بررسی برای معرفی مناسب تشخیص داده نشده بودند، گزارشی از ویژگی‌های آن‌ها برای گفت‌وگو با نویسندگان و ناشران، تهیه کنم و ارائه دهم. من با همکاری یکی دیگر از کارشناسان همکار این طرح - خانم میترا دانشور - این مطالعه را آغاز کردم و به انجام رساندیم. در طبقه‌بندی، دلایلی که کارشناسان، با در نظر داشتن آن‌ها، بعضی از کتاب‌ها را برای معرفی مناسب تشخیص نداده بودند، این دلایل چشم‌گیرتر بود:

۱. مشخص نبودن اهداف آموزش و مخاطبان.
۲. نامناسب بودن شیوه نگارش و تناسب نداشتن آن با زبان مخاطبان.
۳. تکراری و کلیشه‌ای بودن مطالب.
۴. ارائه پاسخ پرسش‌های عنوان شده.
۵. داشتن اشکالات علمی.
۶. به روز نبودن اطلاعات.
۷. کیفیت بسیار پایین هنری در ارائه مفهوم یا موضوع.
۸. تبدیل فرآیند یادگیری به سؤال و جواب.
۹. توجه نکردن به پرورش مهارت‌های فرآیند تفکر.
۱۰. پاسخ گویی محتوای کتاب به نیازهای امتحانی مخاطب، به جای نیازهای آموزشی او.
۱۱. خلاصه گویی و توجه نکردن به پرورش مفهوم.
۱۲. بی‌توجهی به پیش‌نیازها.
۱۳. تناسب نداشتن مفاهیم و فعالیت‌ها با توانایی‌های مخاطبان.
۱۴. احترام نگذاشتن به اقوام و ملل و نحل.
۱۵. هماهنگ نبودن رسم‌الخط کتاب با رسم‌الخط کتابهای درسی؛ مخصوصاً برای پایه‌های اول و دوم ابتدایی.
۱۶. سازمان‌دهی نامناسب محتوا و نداشتن انسجام.
۱۷. نامناسب بودن روش‌های یاددهی و یادگیری به کاررفته.

از میان دلایل عنوان شده، مواردی که در شماره‌های «۳، ۲، ۶، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۵» گفته شد، از فراوانی چشم‌گیری برخوردار بود. نمونه‌هایی از این‌گونه کتاب‌ها را همراه خود آورده‌ام تا مشاهده کنید و در صورت لزوم، درباره آن‌ها گفت‌وگو کنیم، انتخاب نمونه‌ها کاملاً تصادفی است. قصد من معرفی کتاب خاصی نیست، بلکه طرح مسئله است.

○ یکی از معیارهای عنوان شده، «مشخص نبودن اهداف آموزشی و مخاطبان» است. هر کتاب باید معلوم کند که باردار چیست؟ چه پیامی دارد و با چه کسانی می‌خواهد آن را در میان بگذارد؟ شاید پیام با ارزش باشد، اما برای چه کسی ارزشمند است؟

کتابی دم دست من است به نام «گنج قارون» که برای بچه‌های دوره ابتدایی نوشته شده است. سخن از زراندوزی قارون است و وقوع زلزله‌ای که قارون را می‌بلعد و خداپرستان از این رخداد پند می‌گیرند و...

تاریخ:

شماره:

طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی

«دوره ابتدایی»

پرسش‌نامه نظرسنجی از کمیته معلمان

درباره کتاب‌های مناسب (آموزگاران و اولیای دانش‌آموزان)

همکار گرامی: سرکار خانم

جناب آقای

خواهشمند است کتاب ضمیمه را مطالعه و نظرات خود را در باره سؤال‌های عنوان شده بنویسید. بدون تردید انتخاب هر یکی از درجات مقیاس از جانب شما به دلایلی صورت می‌گیرد؛ لطفاً در مقابل هر سؤال دلایل و توضیحات خود را با اشاره به محتوای کتاب بنویسید. توزیع درجات مقیاس به شرح زیر است:

۱ بسیار زیاد (۵)	زیاد (۴)	متوسط (۳)	کم (۲)	بسیار کم (۱)
------------------	----------	-----------	--------	--------------

نام کتاب:

نام نویسنده / مترجم:

تاریخ انتشار:

لطفاً مخاطبان کتاب را مشخص فرمایید:

۱- آموزگاران دوره ابتدایی:

۲- والدین دانش‌آموزان:

۳- مخاطبان دیگر (آن‌ها را نام ببرید):

در زیر آب را مورد بررسی قرار دهیم.» کودکان کدام گروه از ساکنان جزیره می‌توانند در آینده‌ای که قابل پیش‌بینی نیست، زندگی کنند؟

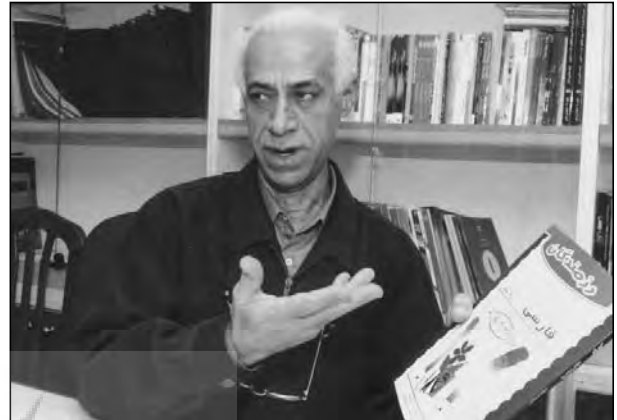
در جهانی این چنین، کودکان را باید به نگرش‌ها دانش‌ها و مهارت‌هایی مجهز کرد که بتوانند به یاری آن‌ها در مقابل مسایل و مشکلات پیش‌بینی نشده، راه‌حل‌های خلاقانه ارائه دهند. نگرش‌های ضروری زندگی فردا، آموزه‌هایی پایدارند.

کنجکاوی آموزه‌ای پایدار است میل و مهارت در ساختن آموزه‌ای پایدار است. ریسک‌پذیری آموزه‌ای پایدار است. میل به یادگیری آموزه‌ای پایدار است. ایمان آموزه‌ای پایدار است. همکاری همیاری و مشارکت آموزه‌هایی پایدارند و...

من به عنوان یک معلم، گفت‌وگو درباره این مسایل را پیش‌نیاز ورود در بحث «سامان بخشی تولید چاپ و نشر کتاب‌های آموزشی» می‌دانم. این گفت‌وگوها می‌توانند در جهت‌دهی به طرح سامان بخشی، نقش حیاتی بازی کنند. توفیق این طرح نیازمند مشارکت همگانی است.

دانش آموز دوره ابتدایی، با زلزله به عنوان یک عارضه طبیعی که در زمین رخ می دهد و نه دوست می شناسد نه دشمن، نه بالا، نه پایین و... آشنایی ندارد. حال چگونه می تواند زلزله مذکور در این کتاب را هضم کند؟ صحبت از درستی یا نادرستی موضوع نیست. سخن این است که این پیام برای مخاطب دبستانی قابل دریافت نیست.

○ تبدیل فرایندهای یادگیری به سؤال و جواب های بسته، یکی دیگر از دلایل نامناسب بودن تشخیص داده شده است. گروهی کتاب درسی را برمی دارند. حتی ساده ترین پرسش هایی را که در آن برای درگیر کردن مخاطب طرح شده است، به صورت سؤال و جواب حل و فصل کرده، زحمت



یادگیرنده را کم می کنند. به این نمونه نگاه کنید. در متن کتاب درسی، تصویر آشیایی کشیده و از دانش آموز درباره کاربرد آن ها پرسیده شده است. حالا این کتاب آمده و به جای دانش آموز، کاربرد تک تک ابزارهای مورد سؤال را جواب داده است. به عبارتی، غذا را می خورد و در دهان کودک می گذارد تا قورت دهد!

نویسندگان، مؤلفان و ناشرانی از این دست، کودکان ما را به فکر نکردن سوق می دهند؛ راهی که پایان آن «مرگ فرهنگ» و از بین رفتن هویت ملی ماست.

○ حالا به کتاب دیگری توجه کنید: «ساعت چند است؟» اوقاتی که ساعت این کتاب، برای انجام فعالیت های مختلف معرفی می کند، با زندگی کودکان ما ارتباط ندارد. این کتاب مال جامعه ای است که زندگی افراد آن بر محور آموزه های این کتاب تنظیم شده که مثلاً ساعت... از خواب بیدار می شدند... ساعت... به کجا می روند و ساعت ۱۰ چه می خوردند و ساعت ۱۳ چی... آیا می توان به مخاطب ۵-۶ ساله گفت که در گوشه ای از این دنیا آدم هایی زندگی می کنند که... در انتخاب کتاب برای ترجمه نباید فقط به موضوع توجه داشت. به زندگی هم باید توجه داشت. این کتاب حتی برای آموزش خواندن ساعت به بچه های ایران هم مناسب نیست، چه رسد به آموزش زندگی!

○ این یکی مشکل دیگری دارد؛ مشکل آن ناهماهنگی رسم الخط با رسم الخط کتاب های درسی است. من کاری ندارم به این که رسم الخط مرسوم در کتاب های درسی صحیح است یا غلط یا... من از منظر یادگیری کودکان، به این مسئله نگاه می کنم. کودکی که در کلاس اول دبستان، کتاب و معلم به او آموخته اند که کلمه «آن ها» به همین صورت جدا از هم نوشته می شود، وقتی با همان کلمه به شکل «آنها» روبه رو می شود، به مشکل برمی خورد و سرگردان می ماند. بدیهی است که این دوگانگی، نشان ضعف مدیریت آموزشی و فرهنگی جامعه است، اما به هر حال، اگر به بهداشت روانی کودکان فکر کنیم، باید فعلاً روال مدرسه ابتدایی را مقدم بداریم.

من نمی خواهم وقت جلسه را کاملاً اشغال کنم. کتاب ها این جا نیست. می توان آن ها را مشاهده و مطالعه کرد. ما در جریان این بررسی، متوجه شدیم که ابزارهای گردآوری اطلاعات نیز از جهت کمی و کیفی، نیاز به

تجدیدنظر دارند. پس از کسب نظر موافق آقای همتی، اقدام به تولید ابزارهای جدید کردیم که نمونه آن ها برای مطالعه، گفت و گو و گرفتن نظر شما تقدیم می شود.

بکایی: می توانم این را عرض کنم که جای امیدواری است؛ نگاه متفاوتی در کشور ما شکل می گیرد. اگر این نشست ها بتواند فقط این نگاه را اشاعه دهد، فکر می کنم که ما کار بزرگی کرده ایم. اگر دوستان درباره بحث پرسشی دارند، لطفاً طرح کنند.

همتی: من می خواهم روی عبارت «محیط یادگیری» تأکید کنم. استنباط از صحبت های ایشان این بود که اگر ما نظام رسمی آموزش و

تاریخ:
شماره:

طرح سامان بخشی کتاب های آموزشی

«دوره ابتدایی»

پرسش نامه نظرسنجی از کارشناسان دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی درباره کتاب های مناسب (دانش آموزان)

سرکار خانم
همکار گرامی
جناب آقای

خواهشمند است کتاب ضمیمه را مطالعه و نظرات خود را در باره سؤال های عنوان شده بنویسید. بدون تردید انتخاب هر یکی از درجات مقیاس از جانب شما به دلایلی صورت می گیرد؛ لطفاً در صورت انتخاب درجات ۱ و ۲ و ۳ در مقابل هر سؤال دلایل و توضیحات خود را با اشاره به محتوای کتاب بنویسید. توزیع درجات مقیاس به شرح زیر است:

۱	بسیار زیاد (۵)	زیاد (۴)	متوسط (۳)	کم (۲)	بسیار کم (۱)
---	----------------	----------	-----------	--------	--------------

نام کتاب: موضوع:

نام نویسنده / مترجم: ناشر:

تاریخ انتشار:

لطفاً مخاطبان کتاب را مشخص فرمایید:

دانش آموزان دوره ابتدایی پایه ی: اول دوم سوم چهارم پنجم

دانش آموزان از پایه ی: تا پایه ی:

مخاطبان دیگر آن ها را نام ببرید:

پرورش را که در مدرسه، کتاب های درسی و ابزارهای رسمی آموزش متجلی می شود، در نظر بگیریم، بخش بسیار کوچکی از محیط یادگیری را تشکیل می دهد. بخش وسیعی از این محیط، خارج از این نظام رسمی شکل می گیرد که بخش عمده ای از آن نیز مواد مکتوب آموزشی، تحت عنوان کتاب و مجله است که برای بچه ها منتشر می شود. به عبارتی، مجموعه این ها باید بچه ها را برای زندگی امروز آماده کنند و زندگی کردن را به آن ها یاد دهند. من فکر می کنم که در این فضا می توان بحث را هدایت کرد. سؤال این است که ما چگونه می توانیم پل ارتباطی مناسبی بین نظام رسمی که بخش کوچکی از محیط یادگیری است و مواد آموزشی که خارج از این محیط تولید می شود، برقرار کنیم تا بتوانیم از ظرفیت های موجود حداکثر استفاده را ببریم. می توانیم نقش کتاب های آموزشی را در چنین فضایی بررسی کنیم. شاید ضعف اساسی در مجموعه همین کتاب هایی باشد که آقای طاهری فرصت نکردند به همه آن ها بپردازند؛ یعنی عمده کتاب های آموزشی و علمی که منتشر می شوند. اتفاقاً بازار هم در دست این کتاب هاست. همه این کتاب ها روی همان بخش کوچک محیط یادگیری (آموزش رسمی) متمرکز هستند. به تعبیر دیگر، نوع نگاه کسانی که آن کتاب ها را می نویسند و منتشر

می‌کنند، توجه به آن محیط یادگیری است: چون در آن محیط جست‌وجو می‌کنند. در حالی که خارج از آن محیط نیز مسایل مهمی وجود دارد. متأسفانه، همه به امتحانات تکیه می‌کنند و بعد من به عنوان ناشر و مؤلف، در کتاب سال جواب می‌دهم و این کتاب‌ها ظرف سه سال، به چاپ سی و دوم، سی و پنجم و حتی چهلم می‌رسد. از آن طرف، کتاب‌هایی که خارج از این محیط بسته تولید می‌شوند و به نیازهای زیادی که در آن جا مورد غفلت واقع شده است، پاسخ می‌دهند، مورد پسند مردم قرار نمی‌گیرند. یعنی آن محیط بسته، به نوعی خودش را تحمیل می‌کند. من فکر می‌کنم، نقش عمده کتاب‌های آموزشی را باید در فضای غیررسمی که محیطی بزرگ‌تر و غنی‌تر است، جست‌وجو کرد. به شکل

کتاب. طبیعی است که ناشران می‌خواهند سهم خودشان را از این ۱۸۰ میلیون کتاب کسب کنند. درست است که ناشران ما عموماً کارهای مناسبی تولید نمی‌کنند، اما نظام آموزشی ما مقصر اصلی است و معلمان ما مقصرتند. حتی واحدهای کوچک‌تر هم مقصرتند. همین امشب، اگر تلویزیون را تماشا کنید، حتماً یک تبلیغ خواهید دید که یکی از مؤسسه‌های انتشاراتی، با صدای بلند اعلام می‌کند: «تخفیف ویژه برای مدارس»!

طاهری: ببینید، در برخورد با یک مشکل، راه‌های زیادی وجود دارد. من شخصاً به عنوان یک کارشناس آموزش، آشکارا آفتی که هستی، بچه‌های ایران را به خطر انداخته، یعنی اعتیاد را بسیار بسیار قوی‌تر و خطرناک‌تر می‌دانم. فکر می‌کنم که مجموعه‌ای دانسته و ندانسته، در کمین بچه‌های ایران نشسته است و آن‌ها را به فکر نکردن و مصرف کردن سوق می‌دهد.

یکی از حاضران: من فکر می‌کنم کلیه کتاب‌هایی که برای کودکان و نوجوانان چاپ می‌شود، حتی کتاب‌های داستانی، پیام و هدفی را دنبال می‌کنند. پس می‌توانند جزء کتاب‌های علمی - آموزشی باشند.

همتی: مشکل در سیستم آموزشی است. در گذشته، نقش ناشران در تحمیل اندیشه‌های نادرست در فرآیند تدریس، بسیار کم‌تر بود. الان این‌ها به عنوان اهرم فشار عمل می‌کنند. شاید دلیلش این باشد که معلم وظیفه‌اش را در فرآیند یاددهی - یادگیری درست انجام نمی‌دهد. یا اساساً سؤال این است که آیا لازم است که بچه‌ها را در نظام متوسطه، به سمت کنکور بفرستیم؟ این، یک سؤال اساسی است. علی‌الظاهر این طور است. پدر و مادر، بچه‌اش را برای این منظور به دبیرستان می‌فرستد. دبیر هم برای این هدف تدریس می‌کند. ناشر هم وقتی می‌بیند زمینه مساعد است، در آن جهت حرکت می‌کند. بچه نمی‌رود کتاب داستان بخواند. بچه امروز، کتاب کنکور می‌خواند. در این جا ناشران هم به عنوان اهرم فشار، خودشان را تحمیل می‌کنند. زمانی که ناشران دولتی خودشان در این جریان شرکت می‌کنند و می‌خواهند بخشی از بازار را تصاحب کنند، دیگر ما نمی‌توانیم از ناشران بخش خصوصی انتقادهای جدی داشته باشیم و بگوییم چرا این‌گونه کتاب‌ها را چاپ می‌کنید. واقعیت این است که این کتاب‌ها تیراژ و فروش بالایی دارند. اگر مثلاً مترجم به جای ترجمه کتاب، کتاب تست بنویسد و جمع‌آوری کند، خیلی بهتر است و وضع مالی‌اش هم بهتر می‌شود.

بکایی: البته، تنها انتشاراتی‌ها نیستند؛ شبکه دو صدا و سیما، حوزه هنری، وزارت علوم، امور رزمندگان و... هرکس بالاخره می‌خواهد از آن ۱۸۰ میلیونی که عرض کردم، سهم خودش را ببرد.

همتی: همه ما هوا را آلوده می‌کنیم و بعد می‌گوییم که با این هوای آلوده چه کنیم. در سیستم نشر ما عملاً این وضعیت وجود دارد.

یکی دیگر از حاضران: هیچ وقت هم دنبال راه حل نمی‌گردیم. همه به دنبال این هستند که چه وضعیتی به وجود آمده و چه کسی مقصر بوده، هرکس هم براساس صنف و جایگاهی که دارد، یک نفر دیگر را مقصر می‌دانند.

طاهری: در ذهن من یک سؤال ایجاد شد که ما به چه مسائلی مسائل ملی می‌گوییم. به نظرم این مسئله که در این جا طرح شد، جزء مشکلات ملی ماست. این مسئله با هویت ما و بودن یا نبودن ما سروکار دارد. نمی‌دانم برای آقای حس خود، کلمه‌های مناسب را چطور پیدا کنم. نسل ما رو به تباهی می‌رود. ما در جهان آینده اگر نتوانیم در تولید فکر شرکت کنیم، به صورت برده مورد استفاده تولید کنندگان فکر قرار می‌گیریم. این، یک مشکل مالی است. حل این مشکل، عزم ملی می‌خواهد، تصمیم ملی می‌خواهد. جهت‌دهی ملی می‌خواهد. در واقع، همکاری همه سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها و همه موسساتی را که کار فرهنگی می‌کنند، طلب می‌کند. به نظر من بحث، بحث ملی است. اگر همه ناشران هم جمع شوند، مشکلی حل نمی‌شود. وزارت علوم و وزارت آموزش و پرورش در مرکز این مسئولیت قرار دارند.

بکایی: امیدواریم این اعلام خطر را بشنویم و در فکر چاره باشیم.

طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی «دوره ابتدایی»

پرسش‌نامه نظرسنجی از کارشناسان دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی درباره کتاب‌های مناسب (آموزگاران، اولیای دانش‌آموزان و کارشناسان آموزش)

سرکار خانم
همکار گرامی
جناب آقای

خواهشمند است کتاب ضمیمه را مطالعه و نظرات خود را درباره سؤال‌های عنوان شده بنویسید. بدون تردید انتخاب هر یکی از درجات مقیاس از جانب شما به دلایلی صورت می‌گیرد؛ لطفاً در صورت انتخاب درجات ۱ و ۲ و ۳ در مقابل هر سؤال دلایل و توضیحات خود را با اشاره به محتوای کتاب بنویسید. توزیع درجات مقیاس به شرح زیر است:

۱- بسیار زیاد (۵) زیاد (۴) متوسط (۳) کم (۲) بسیار کم (۱)

نام کتاب: موضوع:

نام نویسنده/ مترجم: ناشر:

تاریخ انتشار:

لطفاً مخاطبان کتاب را مشخص فرمایید:

- ۱- آموزگاران
 ۲- کارشناسان آموزش
 ۳- اولیای دانش‌آموزان
 ۴- سایر موارد

منطقی، یکی از نقطه اتصال‌های نظام رسمی با محیط غیررسمی، همین کتاب‌های مناسب آموزشی می‌توانند باشند.

طاهری: من در حرف‌هایم، این را گفتم و آقای همتی هم بیان دیگری از این را اظهار کردند. من دایره بیرون از مدرسه را بسیار وسیع‌تر از مدرسه دانستم و گفتم که برنامه‌های درسی، فقط شروع یک پروسه است و باید عوامل بیرونی دست آن‌ها را بگیرند. این فقط بستر است. باید آن را غنی کنیم تا محیط یادگیری کودکان غنی شود و آن‌ها بتوانند خودشان را نشان دهند. به عبارتی، در برنامه‌های درسی باید ردپایی از خود بچه‌ها، از مطالعات آن‌ها از مشاهدات و اظهارنظرها و تجزیه و تحلیل‌های‌شان باشد تا معلوم شود که می‌توانند خودشان را وارد برنامه‌های درسی کنند؛ نه این که ناچارشان کنیم فقط گفته‌های دیگران را نشخوار کنند.

نظر من با نظر آقای همتی هماهنگ است و معتقدم که ناشران و نویسندگان خوب، می‌توانند از فضایی که با برنامه‌های درسی جدید به وجود آمده است، وارد کلاس شوند و محیط بسته را منفجر کنند.

بکایی: ما هجده میلیون دانش‌آموز داریم. اگر به طور میانگین، هر دانش‌آموز ده کتاب، از کتاب‌هایی که شما گفتید، بخرد، می‌شود ۱۸۰ میلیون